

قومیت، مذهب، صور مشارکت در بین پیروان مذاهب شیعه و سنی کردهای کرمانشاه^۱

فریبا موقوفه‌ای^۲

علیرضا محسنی‌تبریزی^۳ *

حسین آقاجانی مرساء^۴

تاریخ وصول: ۱۳۹۷/۰۴/۰۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۲۲

چکیده

در پژوهش حاضر به بررسی قومیت، مذهب، صور مشارکت در بین مذاهب شیعه و سنی کردهای شهر کرمانشاه در سال ۱۳۹۷ پرداخته شده است. از روش تحقیق پیمایشی و بر اساس قواعد آماری حجم نمونه، ۳۸۴ نفر از شهروندان شیعه و سنی شهر کرمانشاه به عنوان نمونه آماری و از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای نسبتی انتخاب شدند. جهت جمع‌آوری اطلاعات از پرسشنامه محقق ساخته متشکل از گویه‌هایی در مقیاس ۵ گزینه‌ای طیف لیکرت با پایایی ۰/۹۵ و اعتبار محتوایی قابل قبول استفاده گردید. در تدوین چارچوب نظری متغیرهای مورد مطالعه؛ از نظریه‌های لرنر- آیزن و فیش باین- هومنز و محسنی‌تبریزی استفاده شد. نتایج تحقیق نشان داد؛ وضعیت صور مشارکت در بین کردنشینان کرمانشاه ۶۲/۵ درصد می‌باشد. هم‌چنین نتایج حاصل از آزمون تی‌تست مستقل نشان داد؛ پیروان مذهب شیعه دارای مشارکت روانی، مشارکت فرهنگی و مشارکت سیاسی بالاتری بودند. اما پیروان مذهب سنی دارای مشارکت اقتصادی و اجتماعی بالاتری نسبت به پیروان مذهب شیعه بودند.

واژگان کلیدی: صور مشارکت، قومیت کرد، مذهب شیعه، مذهب سنی، کرمانشاه.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

۱- این مقاله برگرفته از پایان‌نامه دکتری رشته جامعه‌شناسی تحت عنوان: قومیت، مذهب؛ صور مشارکت در بین پیروان مذهب شیعه و سنی کردنشینان کرمانشاه است که در سال ۱۳۹۷ در دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز انجام یافته است.
۲- دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
۳- استاد گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. (نویسنده مسئول). mohsenit@ut.ac.ir
۴- دانشیار گروه جامعه‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

مقدمه

با وجود دیدگاه‌های سنتی به شهر و مدیریت شهری، نگرش نوین با تأکید بر اهمیت نقش مردم در فرایند مدیریت شهری و با رویکرد مدیریت غیرمتمرکز، به مردم به عنوان عناصری فعال و خلاق در روند اداره‌ی امور شهر می‌نگرد. در رویکردهای نوین؛ مشارکت مردمی و سپردن کار به دست خود مردم بسیار مورد تأکید مدیران قرار گرفته و در این راستا طرح‌های مختلفی برای مشارکت‌پذیر کردن شهروندان مد نظر آنان قرار گرفته است. در الگوهای نوین، برنامه‌ریزی بسیار مبتنی بر نقش مشارکتی مردم است و با توجه به مشخصه‌هایی چون مشارکتی بودن، رویکرد فرآیندی به برنامه‌ریزی، افزایش کنترل مردم بر معیشت زندگی و شرایط اقتصادی و ارائه‌ی طرح‌ها و برنامه‌هایی که ارتباط و وابستگی بیشتری با نیازها و شرایط محلی اجتماعات دارد، می‌تواند به عنوان الگویی در ساماندهی شرایط توسط مردم و شهروندان مد نظر قرار گیرد (محسنی‌تبریزی، آقاجانی و عزیزخانی، ۱۳۹۵).

مشارکت از دویست سال پیش در نظام‌های سیاسی و اجتماعی جوامع غرب راه یافت، اما توجه به این پدیده و تأکید بر نقش آن، به عنوان یکی از عوامل اصلی توسعه در جوامع در حال گذار، تا حد بسیار زیادی پس از شکست راهکارها و برنامه‌های توسعه در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ که از غرب وارد این کشورها شده بود، متجلی گردید. در بررسی و ارزیابی این برنامه‌ها عدم بهره‌گیری از مشارکت مردمی، به عنوان عامل اصلی شکست برنامه‌های توسعه ارزیابی شده است. لذا از آن پس در استراتژی‌های توسعه بر رویکرد مشارکت مردمی به عنوان یکی از نیازهای اصلی بشر تأکید شده است (اکبری، ۱۳۹۹: ۱).

مشارکت به عنوان واقعیتی اجتماعی ریشه در زندگی اجتماعی انسان دارد و فرایندی است که با گذشت زمان دگرگون و متکامل شده است. ایده مشارکت در مفهوم خود از مباحث مربوط به دموکراسی مایه می‌گیرد که خود دارای سابقه دیرینه‌ای است. در دوره جدید با توجه به نقشی که برای عاملیت انسانی در حوزه‌های مختلف حیات اجتماعی قایل می‌شوند. مشارکت در صور اجتماعی، سیاسی، فرهنگی اقتصادی و حتی روانی مورد توجه سیاست‌گذاران اجتماعی، سیاسی و فرهنگی و اقتصادی قرار گرفته است. یکی از مراکزی که به عنوان بستر و زمینه‌ساز رفتار مشارکتی شناخته می‌شود شهر و زندگی شهری است (گللابی و اخشی، ۱۳۹۴: ۱۱۲). ظهور مشارکت عبارت است از فعالیت‌های ارادی و داوطلبانه‌ای که از طریق آن اعضای یک جامعه در امور محله، شهر و یا روستا خود شرکت می‌کنند و به صورت مستقیم یا غیرمستقیم در شکل دادن به حیات اجتماعی سهیم می‌شوند (آروین، فرهادی‌خواه و پوراحمد، ۱۳۹۶: ۳۵). اینکلس^۱ معتقد است، متغیرهایی نظیر شهرنشینی، تعلیم و تربیت، ارتباط رسانه‌ای صنعتی شدن، سیاسی شدن و زمینه‌های عقیدتی، ارزشی، فکری بر انسان مدرن دخیل‌اند و او را بر خلاف اسلاف سنتی، به مشارکت بیش‌تر وا می‌دارند (محمدی‌فر و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۳۵). مهم‌ترین ویژگی فعالیت‌های مشارکت، داوطلبانه و ارادی بودن آن‌هاست. در مجموع مشارکت به آن دسته از فعالیت‌های

1- Incels

ارادی دلالت دارد که از طریق آن‌ها اعضای یک جامعه در امور محله، شهر و روستا شرکت کرده و بصورت مستقیم یا غیرمستقیم در شکل دادن به حیات اجتماعی مشارکت دارند و انجمن‌های داوطلبانه مهمترین عرصه شکل‌گیری و ساماندهی فعالیت‌های مشارکتی در جامعه محسوب می‌گردند. از آنجا که ایران به عنوان جامعه‌ای با گوناگونی و شکاف‌های اجتماعی بسیار با ساختار موزاییک‌گونه یادشده است. تنوع آب و هوایی، پراکندگی جغرافیایی و درهم پیچیدگی اقلیمی (آبراهامیان، ۱۳۸۳)؛ گوناگونی قومی زبانی و فرهنگی ناشی از آن زندگی عشایری مبتنی بر ایل و طایفه‌ی مسدود، گوناگونی مذهب و دین تفاوت‌های طبقاتی و اقتصادی از عوامل تنوع و تکثر قومی و فرهنگی ایران به شمار می‌روند (مصطفوی، پوریانی، محسنی تبریزی و اژدری‌زاده، ۱۳۹۸: ۵۰۵).

کردها از جمله اقوام ایرانی هستند که گرایش‌های قوم‌گرایانه و جنبش قومی در میان آنها خصلتی پایدار و فعال داشته است (سراج‌زاده و همکاران، ۱۳۹۳: ۴). تأسیس جمهوری خودمختار کردستان در مه‌یاد (۱۳۲۴)، درگیری احزاب سیاسی کرد با دولت مرکزی در جریان انقلاب اسلامی (۱۳۵۷) و طرح مطالبات قومی از سوی مردم کرد در سال‌های اخیر در قالب تجمعات و اعتراضات خیابانی در شهرهای مختلف کردستان از جمله نمودهای بارز ناسیونالیسم قومی در میان کردهای ایران به شمار می‌آید. با استقرار جمهوری اسلامی آموزه‌های مبتنی بر فقه شیعی به یکی از بنیادهای نظام سیاسی جدید در ایران تبدیل شد. مسئله شیعه و سنی که برای چندین دهه به حاشیه‌های سیاست در ایران رانده شده بود، بار دیگر به عنوان یک مسئله سیاسی و فرهنگی و هویتی مطرح شد (احمدی، ۱۳۸۸: ۳۳۸).

در چند دهه گذشته پدیده جهانی شدن که همراه با گسترش ارتباطات، انقلاب تکنولوژی اطلاعات، تغییر شکل سرمایه‌داری، کاهش نقش دولت‌های ملی و خیزش و تظاهرات نیرومند هویت‌های جمعی بوده است مذهب و ناسیونالیسم را به منابع اصلی هویت‌سازی در جهان کنونی تبدیل کرده است (سراج‌زاده و همکاران، ۱۳۹۳: ۵). امروزه، با توجه به اینکه ایران در دوران گذار از جامعه سنتی به مدرن است، مشکلات ناشی از عدم مشارکت یا مشارکت محدود در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی به عنوان یک مسئله اساسی و مهم بیش از پیش در زمینه‌های مختلف خودنمایی می‌کند. جامعه کردهای ایران اگرچه به لحاظ تاریخی و زبانی دارای وجوه مشترک فراوانی می‌باشد؛ اما به مانند هر جامعه دیگری دارای تمایزها و تفاوت‌هایی در درون خود نیز هست. یکی از این جنبه‌ها که مهم به شمار می‌آید تفاوت‌های مذهبی است. دین اکثریت کردها اسلام است و با توجه به این که دین اسلام دارای دو مذهب شیعه و سنی است و این دو از نظر اجتماعی و سیاسی دارای تفاوت‌ها و اختلافات تاریخی مشخصی هستند؛ لذا پرداختن به رابطه مذهب و ناسیونالیسم قومی در میان کردهای ایران باید با در نظر گرفتن این تقسیم‌بندی باشد. توجه به نوع مذهب در قومیت‌کردنشینان کرمانشاه و دارا بودن سنن و رفتارهای فرهنگی و اجتماعی خاص خود؛ در چگونگی میزان مشارکت آن‌ها تأثیرگذار می‌باشد. بنابراین

سؤال اصلی تحقیق ناظر بر آن است که اولاً چه اشکالی از مشارکت در جامعه مطالعاتی (کرمانشاه) وجود دارد و تفاوت آن در مذاهب شیعه و سنی چگونه است؟ ثانياً کدامیک از صور مشارکت در بین پیروان شیعه و سنی قوم کرد کرمانشاه بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد؟ در همین زمینه، تحقیقات متفاوتی در داخل و خارج از کشور انجام شده است که به عمده‌ترین آنها اشاره می‌گردد. نتایج تحقیق جعفری - کلاریجانی، آذین و محمدی (۱۳۹۹) حاکی از آن بود اثربخشی و جامعه‌پذیری سیاسی و نیز باورهای دینی و مذهبی با مشارکت سیاسی رابطه معنی‌داری داشته و متغیرهای مذکور می‌توانند مشارکت سیاسی شهروندان را تبیین کنند. همچنین اکبری (۱۳۹۹) نیز در بررسی خود نشان داد عدم بهره‌گیری از مشارکت مردمی، به عنوان عامل اصلی شکست برنامه‌های توسعه ارزیابی شده و نیز، مشکلات ناشی از عدم مشارکت یا مشارکت محدود در عرصه‌های اجتماعی به عنوان یک مسئله اساسی و مهم بیش از پیش در زمینه‌های مختلف خودنمایی می‌کند. رشیدی آل‌هاشم، طحان و افراسیابی (۱۳۹۹) نیز در مطالعه خود نشان دادند بین متغیرهای میزان دین‌داری افراد، اعتماد اجتماعی و اعتماد سیاسی با میزان مشارکت اجتماعی شهروندان (مشارکت با پلیس) رابطه معنی‌داری وجود دارد. در همین رابطه مصطفوی و همکاران (۱۳۹۸) در بررسی خود نشان دادند میان هویت قومی و مذهبی شهروندان، تعاملات آنان با سایر اقوام و مذاهب، احساس نابرابری اجتماعی کمتر یا بیشتر و نیز احساس مشروعیت نظام سیاسی قویتر یا ضعیفتر و سطح و نوع مشارکت سیاسی ایشان رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. عرب، امیرمظاهری و نویدنیا (۱۳۹۷) نیز در مطالعه خود نشان دادند بین ابعاد عینی و ذهنی قومیت، با میزان مشارکت سیاسی شهروندان رابطه معناداری وجود دارد. باقری (۲۰۱۸) در مطالعه خود بر اهمیت ماهیت قومی و دینی مسلمانان اسکاتلند در انجام مذاکرات هویتی ایشان تأکید نموده است. همچنین، نشان داد که آموزش‌های فرهنگی در تنوع معانی و قدرت هویت ملی و قومی مسلمانان اثربخش بوده‌اند. یانگ و دی‌هارت^۱ (۲۰۱۶) در مطالعه خود نشان دادند سرمایه اجتماعی آنلاین، خودکارآمدی سیاسی و مشارکت اجتماعی و گروهی پیش‌بینی‌کننده‌های مثبت میزان مشارکت سیاسی آنلاین شهروندان بودند. همچنین محمدی، باقری و حیدری (۱۳۹۲) نشان داد که میزان مشارکت مردم در امور شهری پایین‌تر از حد متوسط قرار دارد. در همین رابطه؛ مطابق یافته‌های پژوهش حسین زاده و فدائی ده‌چشمه (۱۳۹۱) وضعیت کلی مشارکت شهروندان در حد متوسط رو به پایین بوده و این امر بیشتر ناشی از سطح پایین بعد عینی مشارکت شهروندان در زندگی شهری است. محمدزاده (۱۳۹۰) نشان داد که قوم‌گرایی در میان کردهای ایران با عواملی همچون گویش فرد، مذهب و نوع احساس تبعیض در ارتباط است. در مورد رابطه مذهب و قوم‌گرایی نتایج پژوهش حاکی از آن است که قوم‌گرایی در میان کردهای شیعه کم‌تر از کردهای سنی و یارسان است. همچنین نتایج تحقیق اخشی و گلایی (۱۳۹۴) نشان می‌دهد که میزان مشارکت اجتماعی در حد متوسط به پایین است. در ابعاد مشارکت اجتماعی روحیه مشارکتی

1- Yang & DeHart

بیشترین میانگین را در بین دانشجویان به خود اختصاص می‌دهند. در همین زمینه؛ محسنی‌تبریزی و عباسی قادی (۱۳۹۳) دریافتند؛ مشارکت اجتماعی جوانان علیرغم این که پایین تر از سطح استاندارد تعیین شده براساس میانگین امتیازات مجموع گویه‌ها بود؛ تفاوت معناداری بسیار اندکی نیز بین دو جمعیت آماری ایران و تاجیکستان مشاهده شده است. یافته‌های نوروژی و بختیاری (۱۳۸۸) نشان از میزان مشارکت اجتماعی - سیاسی متوسط به پایین در شهرستان خدابنده بوده است. همینطور یافته‌های پژوهش گات، گرین، کلسد و اسمیدت^۱ (۲۰۰۲) نشان داده که میزان مشارکت سیاسی در میان گروه‌های مذهبی تفاوت معناداری دارد. فرهادی و کاظمی (۱۳۹۳) دریافتند؛ توسعه اقتصادی نزد ترک‌ها و کردها با مشارکت ارتباط دارد؛ اما متاثر از عوامل فرهنگی، معانی متفاوتی به خود می‌گیرد. بنابراین، مشارکت اقوام را باید با زمینه‌های قومی وارد شده در آن تفسیر و فهم کرد. نتایج تحقیقات نورومله^۲ (۲۰۱۷) نشان می‌دهد که هر چقدر زنان مذهبی تر بوده و از نظر اجتماعی محافظه کارتر باشند، کمتر به کارکردن و دریافت حقوق تمایل نشان می‌دهند. فریست وان ول و همکاران^۳ (۲۰۰۵) نیز نتیجه گرفتند که بازتولید فرهنگی بین‌نسلی به یک میزان بر هلندی‌ها و سایر کودکان اقلیت‌های قومی تأثیر می‌گذارد. ماکس وبر^۴ درباره گروه‌های قومی معتقد است که این گروه‌های انسانی دارای باورهای ذهنی به اجداد مشترک هستند. باوری که دلیل آن می‌تواند شباهت‌های فیزیکی، شباهت در رسوم، حافظه و خاطرات مشترکی باشد که با یکدیگر در کوچ و سکونت داشته‌اند. تعلق به یک گروه خویشاوندی متفاوت است و در گروه اخیر تعهد اجتماعی بسیار بیشتری بین اعضا وجود دارد (برتون^۵، ۱۳۸۰: ۲۳۵).

تی. اچ. مارشال^۶ عدم استقرار نظام شهروندی را زمینه ساز بروز بسیاری از بحران‌های قومی می‌داند از نظر او برای مصداق شهروندی لازم است سه نظام شهروندی ایجاد شود این سه نظام شهروندی عبارتست از: ۱- نظام شهروند مدنی. ۲- نظام شهروند سیاسی. ۳- نظام شهروند اجتماعی (حسینی پاکدهی و زردار، ۱۳۹۰: ۱۰۹).

به نظر هشتر نظریه انتخاب حسابگرانه رهیافتی است که بیش‌ترین امید را برای رسیدن به درجه بالاتری از اجماع نظری در زمینه مسئله قومیت و روابط نژادی به وجود می‌آورد. به اعتقاد او، اعضای هرگروه قومی فقط زمانی در اقدام جمعی شرکت می‌کنند که به این نتیجه برسند که از این طریق نفع شخصی عایدشان می‌شود. بیشتر طرفداران نظریه انتخاب حسابگرانه معتقدند که جنبش‌های قومی زمانی به وقوع می‌پیوندند که تعداد کافی از اعضای گروه برای مشارکت در آن توافق کنند و حسابگران و عاقبت اندیشان فقط هنگامی تن به این کار می‌دهند که منافع مورد انتظارشان بیش از زیان‌های احتمالی

1- Gut, Green, Kellstedt & Smidt

2- Nnoromele

3- Frits Van Wel

4- Max Weber

5- Burton

6- T H Marshal

باشد. برپایه این نظریه عضویت افراد در گروه‌های قومی، حاصل آگاهی قومی است که خود از میان گزینش‌های فردی و جمعی منتج می‌شود. از نظر بانتوان این گزینش‌ها مرتباً صورت می‌گیرد و در گروه قومی نیز با توجه به اینکه افراد پیوسته در حال سنجش امتیازات خود در حال تغییر و تحول می‌باشند، با عضویت خود در گروه‌های قومی، تمایزات خود را از دیگر افراد و گروه‌ها مشخص می‌کنند و اقدامات جمعی خود را در چارچوب منافع موجود و متصور شکل می‌بخشند (احمدی، ۱۳۸۸).

مشارکت حوزه وسیعی از فعالیت‌ها را در بر می‌گیرد؛ حوزه‌ای از فعالیت‌ها که عبارت است از عضویت، همکاری و فعالیت‌های فردی و جمعی افراد جامعه در انجمن‌ها، تشکل‌های دولتی و غیر دولتی اعم از انجمن‌های اقتصادی، شغلی، محلی، منطقه‌ای و ملی، شرکت و همکاری در برگزاری مراسم و جلسات مختلف خیریه اعم از مجالس اعیاد ملی - مذهبی و غیره است. اشکال مشارکت اجتماعی را می‌توان به دو صورت زیر مورد مطالعه قرار داد: ۱) مشارکت رسمی (نهادی) که در بر گیرنده عضویت در سازمان‌ها، انجمن‌ها و کلپ‌ها با فعالیت‌های برنامه‌ریزی شده در یک زمان و مکان مشخص است ۲) مشارکت غیررسمی که خود دربرگیرنده دو نوع مشارکت اتفاقی و پایدار می‌باشد؛ مشارکت اتفاقی شامل مشارکت در فعالیت‌های گروهی با فواصل نامنظم است؛ مثل همکاری با خیریه‌هایی که در جهت کمک به محرومین و افراد خاص تشکیل می‌شود. طبق باور هلی^۱، مشارکت پایدار که شامل مشارکت قاعده‌مند و فعالیت در گروه‌هایی که به صورت موسسه و سازمان نیستند؛ ولی نسبتاً دائمی و همیشگی هستند. ضمناً از لحاظ هدف، نیز دو نوع مشارکت اجتماعی را می‌توان نام برد: ۱- مشارکت ابزاری که شامل فعالیت‌هایی است که خارج از گروه مشارکت کننده هدایت می‌شود. ۲- مشارکت هدفمند که مشارکت اجتماعی به صورت خودکفا، هدفمند و تحت نظارت خود اعضاء است (محسنی‌تبریزی و عباسی قادی، ۱۳۹۳).

امیرانی بر این باور است که در بررسی مفهوم مشارکت اجتماعی، چهار بعد و مولفه به شرح ذیل ضروری است: ۱- آگاهی: مطلع بودن فرد از وظایف و حدود و اختیارات خود در فرایند مشارکت؛ ۲- تصمیم‌گیری: موثر بودن فرد در اتخاذ تصمیم در سازمان‌های مشارکتی؛ ۳- شرکت داشتن: حضور یا همکاری در امور مربوط به سازمان‌های مشارکتی؛ ۴- رضایت داشتن: احساس خوشایندی فرد از فعالیت مشارکتی و بویژه حسن انجام امور (همان). این چهار شاخص را می‌توان در دو بعد ذهنی (آمادگی روانی) و عینی (عمل مشارکتی) در نظر گرفت و چنین گفت که شاخص آگاهی داشتن و تصمیم‌گیری ابعاد ذهنی مفهوم مشارکت را تشکیل می‌دهند و شاخص‌های شرکت کردن و رضایت داشتن ابعاد عینی مفهوم مشارکت اجتماعی را تشکیل می‌دهند (محسنی‌تبریزی و عباسی قادی، ۱۳۹۳).

¹ - Heli

مشارکت اجتماعی؛ مشارکت اجتماعی مشارکت در مسائل اجتماعی است که در کنار حوزه‌ی اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و... قرار می‌گیرد. در تعریف مشارکت اجتماعی گفته شده است: «مشارکت اجتماعی عبارت است از شرکت آگاهانه، ارادی، خودانگیخته و هدفمند گروه‌ها و افراد در فرایندها و امور اجتماعی جامعه به منظور تسهیم و نقش داشتن در کارها، تسهیل و تسریع امور جامعه و بهره‌برداری از نتایج آن‌ها و کمک به اهداف توسعه‌ی اجتماعی جامعه (زارع و روهنده، ۱۳۹۴: ۶۹).

مشارکت اقتصادی؛ مشارکت اقتصادی بر مبنای حضور و همکاری آگاهانه اقشار مختلف در جهت تولید، پس انداز، سرمایه‌بیش‌تر و مطلوب‌تر، توزیع مناسب و عادلانه‌تر و مصرف بهینه از منابع طبیعی و کالاهای مورد نیاز زندگی و صرفه‌جویی در استفاده از منابع کمیاب زندگی است. مشارکت اقتصادی بر تأثیرگذاری بر پویا و شیوه تولید به لحاظ روابط حاکم بر این پویا و وسایل مادی تولید برای رفع نیازهای مادی و افزایش تولید متمرکز است که در قالب مداخله و درگیر شدن افراد در نظام تصمیم‌گیری مربوط به تخصیص منابع اقتصادی و مشارکت در سیاست توسعه اقتصادی نمود پیدا می‌کند. در این نوع مشارکت شرکت دادن رده‌های پائین جامعه در فرآیند توسعه در سطوح اجرا، تصمیم‌گیری، نظارت و برخورداری از منابع مطرح است. از نمونه‌های مشارکت اقتصادی، سازمان خودیاری می‌باشند، تشکیلاتی که در جهت تقویت اقتصادی اعضا با اتکا به کوشش‌ها و ابزار خود آنان عمل می‌کند. در چنین سازمان‌هایی مشارکت در تأمین سرمایه، نیروی کار، تصمیم‌گیری و جمعی استفاده از بازدهی و منافع حاصله مورد نظر است (همان).

مشارکت سیاسی؛ مشارکت سیاسی را فعالیت داوطلبانه اعضای جامعه در انتخاب رهبران و شرکت مستقیم و غیرمستقیم در سیاست‌گذاری تعریف کرده‌اند نلسون و هانتینگتون^۱ مشارکت سیاسی را فعالیت اعضای جامعه برای تأثیرگذاری بر سیاست‌های عمومی دانسته‌اند. در بیشتر تعاریف صورت گرفته از مشارکت سیاسی، خصیصه مردم در انتخابات و دخالت در تصمیم‌گیری‌ها و اداره امور کشور و مشارکت آگاهانه و قدرتمندانه مردم در کلیه نهادهای اجتماعی است. به نظر مایرون واینر^۲ مشارکت سیاسی هر عمل داوطلبانه موفق یا ناموفق، سازمان یافته یا بدون سازمان، دوره‌ای یا مستمر، شامل روش‌های مشروع یا غیرمشروع برای تأثیر بر انتخاب رهبران و سیاست‌ها و اداره امور عمومی در هر سطحی از حکومت محلی یا ملی است (فتحی و مختارپور، ۱۳۹۶: ۲۱۴).

مشارکت فرهنگی؛ مشارکت فرهنگی یعنی شرکت داوطلبانه، ارادی و آگاهانه افراد، گروه‌ها و سازمان‌های تشکیل‌دهنده یک جامعه در ابعاد گوناگون زندگی فرهنگی آن جامعه به منظور گسترش توسعه پایدار متوازن و همه‌جانبه حیات فرهنگی است. شرکت داوطلبانه، ارادی و آگاهانه به این معناست که حضور در عرصه مشارکت فرهنگی، حضوری فعالانه، بانگیزه، فارغ از الزامات و تعیین‌های تحمیلی و

1- Nelson & Huntington

2- Weiner

مبتنی بر تصمیم‌گیری‌های عاقلانه و آگاهانه و با اتکا به شناخت برون داده‌ها و تأثیرات مشارکت فرهنگی است. بنابراین مقید نمودن تعریف مشارکت فرهنگی به ویژگی‌های شرکت داوطلبانه، ارادی و آگاهانه، این نوع از فعالیت‌ها را از سایر فعالیت‌های معمولی و روزمره زندگی که ممکن است بنای آن پیروی کورکورانه از قیود، سنت‌ها و تعیین اجتماعی - سیاسی، اجتماعی - فرهنگی و سنتی در اجتماعات شهری، روستایی و عشایری باشد متمایز می‌کند (رامسری، ۱۳۹۲).

مشارکت روانی؛ این نوع مشارکت مورد تأکید روان‌شناسان اجتماعی است و دلالت بر نوعی درگیری ذهنی و عاطفی دارد که زمینه‌ساز ابتکارات جمعی است. مشارکت روانی در قالب ایجاد تغییر و دگرگونی در ذهنیت‌ها و شکستن عقاید قالبی نامناسب و شرکت در عمل جمعی مشترک، گرایش^۱ و آمادگی روانی لازم را به کنش جمعی فراهم می‌نماید.

لرنر معتقد است؛ جامعه جدید یک جامعه مشارکتی است و فراگرد نوسازی حرکت از جامعه سنتی به طرف جامعه مشارکت‌جو است. به نظر وی مشارکت در حوزه اقتصادی به فعالیت در بازار و افزایش درآمد، مشارکت سیاسی به شرکت در انتخابات، مشارکت فرهنگی به بهره‌گیری از رسانه‌های جمعی و مشارکت روانی به همدلی و تحرک روانی منجر می‌شود. در اندیشه لرنر بین متغیرهای شهرنشینی، تحصیلات، دسترسی به رسانه‌های گروهی و مشارکت ارتباط متقابل وجود داد (دارایی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۱). لرنر، مشارکت اجتماعی را یکی از مولفه‌های نوسازی و مدرن شدن جوامع می‌داند. با وجود این که لرنر به آمادگی ذهنی و متغیرهای روانی برای رسیدن به نوسازی تأکید دارد. اما متغیرهای مادی هم‌چون شهرنشینی را نیز در نظر دارد. لرنر به دنبال شیوه‌ای است که جوامع با استفاده از آن، از مرحله سنتی به مرحله گذار و سپس نوگرایی می‌رسند. وی در این باره که جوامع چگونه با نوگرایی ارتباط برقرار می‌کنند دست به مطالعه زده است. نوگرایی در این چارچوب نوعی سبک مشارکتی زندگی خوانده می‌شود و جامعه نوین یک جامعه مشارکتی است. ویژگی‌های جامعه مشارکتی همان ویژگی‌هایی است که در غرب وجود دارد: مردم به مدرسه می‌روند، روزنامه می‌خوانند، در قبال کاری که انجام می‌دهند تامین مالی می‌شوند، کالا می‌خرند، رای می‌دهند و در برابر طیف وسیعی از مسائل صاحب‌نظر هستند. لرنر در تشریح حرکت جامعه از شکل سنتی به مرحله انتقالی گذار و سپس، به شکل نو زندگی، سه تعریف عمده ارائه می‌کند:

- (۱) نوگرایی در کشورهای روبه توسعه باید از الگوی تاریخی توسعه غربی پیروی کند، زیرا جامعه غربی هنوز توسعه یافته‌ترین الگوی ویژگی‌های اجتماعی (قدرت، پروت، مهارت و خردگرایی) را دارد.
- (۲) تلقین یا همدلی که یک جزء پویای روانشناسی است، کلید نوگرایی به شمار می‌رود. طبق نظریات لرنر، تلقین، ظرفیت دیدن خویش در جایگاه غیر است. وی سپس روندی که تلقین‌کننده را به یک مشتری دست به نقد، به شنونده رادیو و به رای‌دهنده تبدیل می‌کند به روشنی تشریح می‌کند.

1- Attitude

۳) رسانه‌های جمعی^۱ که حکم شاخص تغییر را دارند روند نوگرایی را تسهیل می‌کنند. بر این اساس، چنین وانمود می‌شود که الگوی غربی نوگرایی یک الگوی جهانی است زیرا مبتنی بر یک واقعیت تاریخی است و سکولاریسم^۲ فکری باید نظیر جهان غرب دنبال شود. لرنر الگوی غربی پیشروی به سوی جامعه نوین را در چهار مرحله تشریح می‌کند: شهرنشینی^۳، سوادآموزی^۴، استفاده از رسانه‌ها و ادغام در جامعه نوین مشارکتی که توسعه اقتصادی و سیاسی را به دنبال می‌آورد. در واقع، الگوی غربی نوگرایی ابعاد و مراحل ویژه‌ای را که جنبه جهانی دارند نشان می‌دهد. مثلاً هر جا شهرنشینی افزایش یافته به رشد سوادآموزی منجر شده و رشد سوادآموزی باعث شده تا مردم از رسانه‌ها بیش‌تر استفاده کنند و هرگاه مردم بیشتر از همیشه تحت پوشش رسانه‌ها قرار گرفته‌اند، مشارکت اقتصادی (درآمد سرانه) و مشارکت سیاسی (رای دادن) اوج گرفته است (مولانا، ۱۳۸۷: ۴۸-۲۰).

در نهایت، لرنر چنین نتیجه می‌گیرد که رشد هر یک از این قلمروها رشد سایر قلمروها را تحریک می‌کند و این فرایند، جامعه را به سوی نوگرایی می‌راند. بر طبق الگوی نوگرایی، حرکت از مرحله سنتی به مرحله گذار و سپس به مرحله جامعه نوین همواره با تغییر نظام‌های ارتباطی شفاهی به نظام‌های ارتباط جمعی همراه بوده و این تغییر همیشه یک دگرگونی تک سویه از نظام‌های سنتی به نظام‌های نوین و نه بر عکس بوده است. طبق نظر لرنر تفاوت این دو نظام در اینجاست که ارتباطات بین فردی سنتی به تقویت نگرش‌ها و آداب سنتی می‌انجامد، حال آنکه، ارتباط جمعی، مهارت‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای تازه را می‌آموزد. بنابراین، رسانه‌های جمعی تقویت‌کنندگان تحرک هستند و این امر به این معنا است که رسانه‌های جمعی در برابر مخاطبان فزاینده خود هم ظرفیت برقراری ارتباط با «نوع تغییر» و هم ظرفیت برقراری با «امکان تغییر» را دارند. لرنر بر این اعتقاد است که میان شاخص رسانه‌ای نوگرایی و سایر نهادهای اجتماعی، یک کنش متقابل وجود دارد (همان). جان کلام آنکه، لرنر افزایش شهرنشینی و تراکم مادی و اخلاقی را عامل مشارکت می‌داند.

جورج هومنز^۵ از متفکران اصلی تئوری مبادله است بر مبنای قضایای پنجگانه حاکم بر رفتار انسان در پی تبیین کنش‌های اجتماعی است. این قضایا عبارتند از:

- ۱- قضیه محرک: اگر در گذشته کنش انسان در برابر انگیزه محرکی پاداش گرفته باشد. بروز و تکرار این محرک موجب تکرار کنش خواهد بود. به عبارت دیگر تجربه گذشته در تکرار عمل مؤثر است.
- ۲- قضیه موفقیت: در یک محدوده زمانی معین، هر قدر پاداش کنش فرد ارزش‌مندتر باشد، احتمال انجام آن کنش بیش‌تر است.

-
- 1- Mass media
 - 2- Secularism
 - 3- Urbanization
 - 4- Education
 - 5- George Homans

۳- قضیه ارزش: به میزانی که پاداش کنش برای فرد ارزشمندتر باشد، احتمال انجام آن کنش بیش‌تر خواهد بود.

۴- قضیه اشباع و محرومیت: با افزایش تعداد پاداش‌های دریافتی از ارزش پاداش‌های بعدی کاسته می‌شود. در نتیجه مطلوبیت پاداش‌ها کاهش پیدا کرده و کنشگر در آستانه اشباع قرار گرفته و زمینه برای عدم تمایل به انجام کنش فراهم می‌گردد.

۵- قضیه پرخاشگری و تأیید: اگر به کنش فرد پاداش موردنظر داده نشود احتمال سرخوردگی و پرخاشگری در فرد تقویت می‌شود و برعکس چنانچه فرد برای کنش خود انتظار دریافت پاداش بالا را نداشته باشد و یا انتظار مجازات را داشته باشد، لیکن در عمل مواجه با پاداش بالا و عدم مجازات گردد خوشحال و کنش خود را پیگیری و تکرار خواهد کرد (خالدی، ۱۳۹۳).

تردیدی نیست که با الهام از قضایای مطرح شده می‌توان بخشی از مشارکت اجتماعی کنشگران اجتماعی را و نه تمامی آن را توضیح داد. بیان کاستی‌ها و نقدهای وارد شده به نظریه مبادله موجب شده که این نظریه در شکل جدید خود تبیین خود را فراتر از ابعاد فردی، روان‌شناختی و عناصر تعبیه شده در فرد ببرد و با طرح عناصر نهادی، ساختاری و سازمانی به زمینه‌های فرافردی و محیطی توجه نماید که چنین توجهی را در کار نظریه‌پردازان جدید این حوزه چون بلاو^۱ و امرسون^۲ می‌بینیم که با الهام از نظریه آنها برای تبیین عملی مشارکتی باید به زمینه‌های نهادی و روابط اجتماعی کنشگران اجتماعی در اشکال فراتر از روابط بین شخصی که خود را در قالب شبکه‌ها و روابط سازمانی نشان می‌دهند و نیز نقشی که گروه‌های اجتماعی در تقویت عمل مشارکتی دارد، توجه کرد (همان).

از مدل آیزن و فیشبین^۳ می‌توان برای تبیین رفتار مشارکتی نیز استفاده نمود. در قالب این مدل برای تبیین رفتار ابتدا باید به آمادگی و یا گرایش، بروز رفتار و یا انجام عمل توجه نمود زیرا گرایش و آمادگی برای رفتار مقدم بر خود رفتار و عمل می‌باشد. به نظر آنها رفتار در پی زنجیره‌ای از عوامل بوجود می‌آید. حلقه ما قبل بروز رفتار قصد و نیت برای انجام یک رفتار است. نیت نیز تابع دو متغیر گرایش به رفتار و هنجار ذهنی می‌باشد. گرایش به رفتار یک متغیر فردی و شخصی است و متغیر هنجار ذهنی بیانگر نفوذ و فشار اجتماعی است که شخص آن را برای انجام کاری احساس و ادراک می‌کند. هر یک از متغیرهای گرایش به رفتار و هنجار ذهنی نیز تحت تأثیر متغیرهای دیگری هستند. متغیر گرایش به رفتار تحت تاثیر دو متغیر انتظار فایده و ارزیابی فایده است (گلابی و رضایی، ۱۳۹۲: ۷۰).

با توجه به نظریه‌ها و پیشینه‌های تجربی مطروح؛ چارچوب نظری تحقیق به شرح زیر می‌باشد: دانیل لرنر یک نظریه نوگرایی عمومی را در مورد صور مشارکت مطرح ساخت. نظریه‌ی لرنر بر «نظام رفتاری» زندگی مبتنی بر کنش متقابل استوار بود. وی در پژوهش خود به دنبال شیوه‌ای است که

1- Blau

2- Emerson

3- Eisen and Fieshbin

قومیت، مذهب، صور مشارکت در بین پیروان مذاهب شیعه و سنی کردهای کرمانشاه

جوامع با استفاده از آن، از مرحله سنتی به مرحله گذار و سپس به نوگرایی می‌رسد. لرنر در این باره نیز که جوامع چگونه با نوگرایی ارتباط برقرار می‌کنند، بررسی‌هایی به عمل آورده است. نوگرایی در این چارچوب، نوعی «سبک مشارکتی زندگی» خوانده می‌شود و جامعه نوین، یک جامعه مشارکتی است. لرنر در نظریه خود صور مشارکت را به ابعاد مشارکت روانی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی تقسیم کرده است (محسنی‌تبریزی و همکاران، ۱۳۹۵: ۳). بنابراین در رابطه با تبیین صور مشارکت براساس ادبیات نظری و تجربی، می‌توان گفت که مشارکت اجتماعی سازه‌ای مفهومی است که ابعاد متنوعی مثل مشارکت سیاسی، فرهنگی، روانی، اجتماعی و اقتصادی دارد (عظیمی، ۱۳۷۸؛ نوروزی و بختیاری، ۱۳۸۸؛ ازکیا و غفاری، ۱۳۸۰؛ سبکتکین‌ریزی، ۱۳۷۳؛ اکبری، ۱۳۸۳؛ شفیع، ۱۳۸۴؛ دهقان و غفاری، ۱۳۸۴؛ دیانتی‌نیت، ۱۳۸۲؛ برگرفته از زارع و روهنده، ۱۳۹۴: ۷۵).

در نتیجه از تلفیق نظریه‌های مورد مطالعه در این پژوهش؛ صور پنج‌گانه مشارکت شامل مشارکت روانی - مشارکت اقتصادی - مشارکت اجتماعی - مشارکت فرهنگی و مشارکت سیاسی شناسایی شدند. سپس با استفاده از تحقیق محسنی‌تبریزی و عباسی قادی (۱۳۹۳) نیز ابعاد ذهنی و عینی مشارکت مورد توجه قرار گرفتند که در چهار بعد: ۱- آگاهی مشارکتی ۲- تصمیم‌گیری در مشارکت ۳- شرکت کردن در مسائل مختلف جامعه و ۴- رضایتمندی از شرکت در مسائل جامعه مورد توجه و سنجش قرار گرفت. با توجه به چارچوب نظری تحقیق مورد مطالعه، فرضیه‌های تحقیق به شرح زیر می‌باشند:

- ۱- وضعیت صور مشارکت کردنشینان مذاهب و شیعه و سنی شهر کرمانشاه در سطح مطلوب است.
- ۲- میان صور مشارکت و تنوع مذاهب در بین کردنشینان کرمانشاه رابطه وجود دارد.
- ۳- میان مشارکت روانی و تنوع مذاهب در کردنشینان کرمانشاه رابطه وجود دارد.
- ۴- میان مشارکت اقتصادی و تنوع مذاهب در کردنشینان کرمانشاه رابطه وجود دارد.
- ۵- میان مشارکت اجتماعی و تنوع مذاهب در کردنشینان کرمانشاه رابطه وجود دارد.
- ۶- میان مشارکت فرهنگی و تنوع مذاهب در کردنشینان کرمانشاه رابطه وجود دارد.
- ۷- میان مشارکت سیاسی تنوع مذاهب در کردنشینان کرمانشاه رابطه وجود دارد.

روش

تحقیق حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر ماهیت و شیوه جمع‌آوری اطلاعات از نوع علی-مقایسه‌ای است. تحقیق حاضر در سال ۱۳۹۷ انجام شد که جامعه آماری شامل کلیه جمعیت بالای ۱۵ سال مذاهب شیعه و سنی شهر کرمانشاه می‌باشد که از این بین ۸۰ درصد آن شیعه و ۲۰ درصد اهل تسنن ساکن در شهرستان‌های پاره، جوانرود و روانسراهل می‌باشند. جهت انتخاب نمونه آماری، با استفاده از فرمول کوکران و روش تصادفی طبقه‌ای (به تفکیک مذهب شیعه - سنی) نسبتی (به تفکیک

تغییرات اجتماعی- فرهنگی، سال هجدهم، شماره هفتاد و یکم، زمستان ۱۴۰۰

جنسیت زن - مرد) ۳۸۴ نفر (۳۰۷ نفر شیعه و ۷۷ نفر سنی) از آن‌ها طبق اطلاعات جدول (۱) انتخاب و مورد مطالعه قرار گرفتند.

جدول (۱): جامعه آماری و نمونه آماری تحقیق

| مذهب | جنسیت | تعداد |
|------|-------|-------|
| شیعه | زن | ۱۵۳ |
| | مرد | ۱۵۴ |
| سنی | زن | ۳۸ |
| | مرد | ۳۹ |
| کل | | ۳۸۴ |

جهت جمع‌آوری اطلاعات از پرسشنامه محقق ساخته شامل ۵۲ گویه در مقیاس ۵ گزینه‌ای طیف لیکرت برای صورت مشارکت استفاده شده است. گویه‌ها و شاخص‌های هر متغیر طبق اطلاعات جدول (۲) طراحی گردیده است.

جدول (۲): متغیرها و گویه‌های ابزار اندازه‌گیری

| نام متغیر | شاخص‌ها | گویه‌ها |
|------------------------|-------------------|---------|
| صورت مشارکت در ۵۲ گویه | ۱. مشارکت روانی | ۸ |
| | ۲. مشارکت اقتصادی | ۱۱ |
| | ۳. مشارکت اجتماعی | ۱۵ |
| | ۴. مشارکت فرهنگی | ۱۳ |
| | ۵. مشارکت سیاسی | ۵ |

روایی گویه‌های مربوط به متغیرها در این پژوهش، از طریق روش تعیین اعتبار محتوایی و با راهنمایی‌ها و نظرات اساتید فن انجام گرفت. برای تعیین پایایی پرسشنامه نیز، از شاخص آلفای کرونباخ استفاده شد. ابتدا پرسشنامه‌ها در بین ۳۰ نفر از نمونه آماری به طور تصادفی توزیع گردید، سپس اطلاعات جمع‌آوری شده مورد آزمون قرار گرفته و با استفاده از نرم افزار SPSS ورژن ۲۳ ضریب آلفای کرونباخ برای تک تک شاخص‌های آنها طبق اطلاعات جدول (۳) بالای ۰/۷ بدست آمد.

جدول (۳): پایایی سؤالات مربوط به متغیرهای مورد بررسی

| متغیر | مقدار آلفا |
|----------------|------------|
| مشارکت روانی | ۰/۸۶ |
| مشارکت اقتصادی | ۰/۸۱ |
| مشارکت اجتماعی | ۰/۹۴ |
| مشارکت فرهنگی | ۰/۹۴ |
| مشارکت سیاسی | ۰/۸۶ |
| صورت مشارکت | ۰/۹۵ |

تجزیه و تحلیل داده‌های میدانی از طریق نرم‌افزار آماری SPSS نسخه ۲۳ انجام شده است. جهت پاسخ به فرضیه اول تحقیق جهت تعیین وضعیت صورت مشارکت در بین نمونه مورد مطالعه از آمار توصیفی و توزیع پراکندگی (میانگین - انحراف استاندارد) استفاده شد. در ادامه میانگین نمرات صورت

قومیت، مذهب، صور مشارکت در بین پیروان مذاهب شیعه و سنی کردهای کرمانشاه

مشارکت به درصد تبدیل شدند و وضعیت آنها مشخص شد. جهت آزمون فرضیه‌های دوم تا هفتم تحقیق جهت مقایسه صور مشارکت در بین پیروان مذهب شیعه و سنی از آزمون پارامتریک تی تست مستقل استفاده شده است.

یافته‌ها

فرضیه اول؛ وضعیت صور مشارکت کردنشینان مذاهب و شیعه و سنی شهر کرمانشاه در سطح مطلوب است.

براساس نتایج جدول (۴) وضعیت مشارکت روانی کردنشینان ۷۴ درصد می‌باشد. وضعیت مشارکت اقتصادی کردنشینان ۵۹ درصد می‌باشد. وضعیت مشارکت اجتماعی کردنشینان ۶۷ درصد می‌باشد. وضعیت مشارکت فرهنگی کردنشینان ۶۳ درصد می‌باشد. وضعیت مشارکت سیاسی کردنشینان ۶۲٪ می‌باشد. وضعیت صور مشارکت کردنشینان ۶۲/۵ درصد می‌باشد. در نتیجه وضعیت صور مشارکت در سطح بالایی متوسط می‌باشد و تا سطح مطلوب اندکی فاصله دارد.

جدول (۴): توزیع پراکندگی وضعیت صور مشارکت کردنشینان

| متغیر | تعداد | میانگین | انحراف استاندارد | ضریب کجی | حد اقل | حد اکثر | دامنه تغییرات | میزان (درصد) |
|----------------------|-------|---------|------------------|----------|--------|---------|---------------|--------------|
| مشارکت روانی | ۳۸۴ | ۲۹/۷۲ | ۵/۰۴ | -۰/۱۲ | ۱۷ | ۴۰ | ۲۳ | ۷۴ |
| مشارکت اقتصادی | ۳۸۴ | ۳۲/۴۱ | ۹/۳۶ | -۰/۲۴ | ۱۱ | ۵۵ | ۴۴ | ۵۹ |
| مشارکت اجتماعی | ۳۸۴ | ۴۹/۹۳ | ۱۲/۱۱ | ۰/۰۱ | ۱۵ | ۷۵ | ۶۰ | ۶۷ |
| مشارکت فرهنگی | ۳۸۴ | ۴۰/۹ | ۹/۰۷ | -۰/۳۳ | ۱۸ | ۶۵ | ۴۷ | ۶۳ |
| مشارکت سیاسی | ۳۸۴ | ۱۵/۵۳ | ۴/۸۸ | -۰/۱۸ | ۵ | ۲۵ | ۲۰ | ۶۲ |
| صور مشارکت کردنشینان | ۳۸۴ | ۱۶۲/۵۱ | ۲۹/۹۶ | ۰/۱۲ | ۶۸ | ۲۵۱ | ۱۸۳ | ۶۲/۵ |

فرضیه‌های دوم تا هفتم تحقیق: میان صور مشارکت (روانی - اقتصادی - اجتماعی - فرهنگی - سیاسی) و تنوع مذاهب در بین کردنشینان کرمانشاه رابطه وجود دارد.

کردنشینان شیعه (۳۰/۴۵) بیش‌تر از کردنشینان سنی (۲۶/۸۳) می‌باشد ($p < ۰/۰۵$)؛ مشارکت اقتصادی کردنشینان سنی (۳۴/۰۷) بیش‌تر از کردنشینان شیعه (۳۲) می‌باشد ($p < ۰/۰۵$)؛ مشارکت اجتماعی کردنشینان سنی (۴۶/۴۱) بیش‌تر از کردنشینان شیعه (۴۳/۳) می‌باشد ($p < ۰/۰۵$)؛ مشارکت فرهنگی کردنشینان شیعه (۴۱/۴۹) بیش‌تر از کردنشینان سنی (۳۸/۵۴) می‌باشد ($p < ۰/۰۵$)؛ مشارکت سیاسی کردنشینان شیعه (۱۵/۷۸) بیش‌تر از کردنشینان سنی (۱۴/۵) می‌باشد ($p < ۰/۰۵$). اما در حالت کلی تفاوتی بین کردنشینان شیعه و سنی در صور پنج گانه مشارکت ایشان مشاهده نشد ($p > ۰/۰۵$).

تغییرات اجتماعی - فرهنگی، سال هجدهم، شماره هفتاد و یکم، زمستان ۱۴۰۰

جدول (۵): شاخص‌های آماری متغیر رابطه وضعیت صور مشارکت در پیروان مذاهب شیعه و سنی

| متغیرها | مذهب | تعداد | میانگین | انحراف استاندارد |
|---|------|-------|---------|------------------|
| رابطه مشارکت روانی در پیروان مذاهب شیعه و سنی | شیعه | ۳۰۷ | ۳۰/۴۵ | ۴/۷۴ |
| | سنی | ۷۷ | ۲۶/۸۳ | ۵/۲ |
| رابطه مشارکت اقتصادی در پیروان مذاهب شیعه و سنی | شیعه | ۳۰۷ | ۳۲ | ۹/۸۸ |
| | سنی | ۷۷ | ۳۴/۰۷ | ۶/۶۴ |
| رابطه مشارکت اجتماعی در پیروان مذاهب شیعه و سنی | شیعه | ۳۰۷ | ۴۳/۳ | ۱۲/۶ |
| | سنی | ۷۷ | ۴۶/۴۱ | ۹/۶ |
| رابطه مشارکت فرهنگی در پیروان مذاهب شیعه و سنی | شیعه | ۳۰۷ | ۴۱/۴۹ | ۹/۳۵ |
| | سنی | ۷۷ | ۳۸/۵۴ | ۷/۴۸ |
| رابطه مشارکت سیاسی در پیروان مذاهب شیعه و سنی | شیعه | ۳۰۷ | ۱۵/۷۸ | ۴/۹۸ |
| | سنی | ۷۷ | ۱۴/۵ | ۴/۳۳ |
| رابطه صور مشارکت در پیروان مذاهب شیعه و سنی | شیعه | ۳۰۷ | ۱۶۳/۰۴ | ۳۰/۸۴ |
| | سنی | ۷۷ | ۱۶۰/۳۷ | ۲۶/۲۴ |

جدول (۶): نتایج آزمون مقایسه میانگین‌ها برای متغیر تفاوت وضعیت صور مشارکت در پیروان مذاهب شیعه و سنی

| متغیرها | مذهب | همکنی واریانسها | | t | df | p |
|---|------|-----------------|-------|------|--------|-------|
| | | F | P | | | |
| رابطه مشارکت روانی در پیروان مذاهب شیعه و سنی | شیعه | ۱/۰۴ | ۰/۱۳ | ۵/۸۷ | ۳۸۲ | ۰/۰۰۰ |
| | مذهب | | | | | |
| رابطه مشارکت اقتصادی در پیروان مذاهب شیعه و سنی | شیعه | ۱۳/۲ | ۰/۰۰۰ | ۲/۱۹ | ۱۷۰/۷ | ۰/۰۰۲ |
| | مذهب | | | | | |
| رابطه مشارکت اجتماعی در پیروان مذاهب شیعه و سنی | شیعه | ۱۱/۰۹ | ۰/۰۰۱ | ۲/۳۷ | ۱۴۹/۰۱ | ۰/۰۰۱ |
| | مذهب | | | | | |
| رابطه مشارکت فرهنگی در پیروان مذاهب شیعه و سنی | شیعه | ۴/۹۹ | ۰/۰۰۲ | ۲/۹۲ | ۱۴۱/۷۸ | ۰/۰۰۴ |
| | مذهب | | | | | |
| رابطه مشارکت سیاسی در پیروان مذاهب شیعه و سنی | شیعه | ۳/۴۲ | ۰/۰۰۶ | ۲/۰۶ | ۳۸۲ | ۰/۰۰۳ |
| | مذهب | | | | | |
| رابطه صور مشارکت در پیروان مذاهب شیعه و سنی | شیعه | ۰/۹۸ | ۰/۳۲ | ۰/۶۹ | ۳۸۲ | ۰/۰۴۸ |
| | مذهب | | | | | |

بحث و نتیجه‌گیری

تحقیق حاضر با هدف رابطه بین صور مشارکت (روانی - اقتصادی - اجتماعی - فرهنگی - سیاسی) در بین پیروان مذاهب شیعه و سنی قومیت کرد شهر کرمانشاه در سال ۱۳۹۷ انجام پذیرفت. نتایج حاصل از آزمون تی تست مستقل انجام گرفته نشان داد؛ صور مشارکت در بین پیروان مذهب شیعه و سنی یکسان است و تفاوت معنی‌داری مشاهده نشد. اما مشارکت اقتصادی و اجتماعی در بین پیروان سنی بالاتر از پیروان مذهب شیعه است. همچنین پیروان مذهب شیعه نیز در مشارکت روانی، فرهنگی و سیاسی نسبت به پیروان مذهب سنی بالاتر می‌باشند. به نظر لرنر (محمدی‌فر و همکاران، ۱۳۹۶) جامعه جدید یک جامعه مشارکتی است و فراگرد نوسازی حرکت از جامعه سنتی به طرف جامعه مشارکت‌جو است. به نظر وی مشارکت در حوزه اقتصادی به فعالیت در بازار و افزایش درآمد، مشارکت سیاسی به شرکت در

انتخابات، مشارکت فرهنگی به بهره‌گیری از رسانه‌های جمعی و مشارکت روانی به همدلی و تحرک روانی منجر می‌شود. ماکس وبر (گلابی و رضایی، ۱۳۹۲) معتقد است که مشارکت براساس شیوه‌های ذهنی، عملی است که در رابطه با اعمال دیگران انجام می‌شود. کنش افراد براساس اصل پاداش و مجازات قابل کنترل و تغییرپذیر است. فرد به جنبه‌هایی که پاداش دارد پاسخ می‌دهد و از جنبه‌هایی که مجازات دارد، اجتناب می‌کند. براساس نظریه مبادله، جهان اجتماعی تشکیل شده از کنشگران اجتماعی در حال مبادله منافع به واسطه سازوکارهای پاداش و تنبیه و یا فایده و هزینه هستند (بالو، امرسون و هومنز) برای تبیین عملی مشارکت باید به زمینه‌های نهادی و روابط اجتماعی کنشگران اجتماعی در اشکال فراتر از روابط بین شخصی که در گروه‌های اجتماعی مشارکت دارند، توجه کرد. دیوید سیلز بر این باور است که نیروهای اجتماعی، تفاوت‌های شخصیتی و محیط‌های اجتماعی با یکدیگر مرتبط هستند و هر تغییری در هر یک مشارکت افراد را دستخوش تغییر می‌کند (غفارزاده خوبی و صباغ دهخوارقانی، ۱۳۹۵). پیش‌شرط‌های اجتماعی و روان‌شناختی بر فعالیت اجتماعی افراد بستگی به محیط‌های اجتماعی نظیر باورها، اعتقادات ارزشی و ارزش‌های فرهنگی و سیاسی دارد.

اخصی و گلابی (۱۳۹۴) نشان دادند میزان مشارکت اجتماعی در حد متوسط به پایین است. محسنی‌تبریزی و عباسی قادی (۱۳۹۳) دریافتند که مشارکت اجتماعی جوانان علیرغم این که پایین‌تر از سطح استاندارد تعیین شده براساس میانگین امتیازات مجموع گویه‌ها بودند؛ تفاوت معناداری بسیار اندکی نیز بین دو جمعیت آماری ایران و تاجیکستان مشاهده شده است. فتحی، میرساردو و بهرامی ثابت (۱۳۹۳) پی بردند که برخورداری از فرهنگ متعالی بهترین پیش‌بینی کننده برای مشارکت اجتماعی است و در نهایت با میزان همبستگی بالایی که بین متغیرها وجود داشته، مشخص شد که با افزایش متغیر فرهنگ توسعه، مشارکت اجتماعی افزایش می‌یابد. بر مبنای یافته‌های پژوهش فرهادی و کاظمی (۱۳۹۳) توسعه اقتصادی نزد ترک‌ها و کردها با مشارکت ارتباط دارد؛ اما متاثر از عوامل فرهنگی، معانی متفاوتی به خود می‌گیرد. بنابراین، مشارکت اقوام را باید با زمینه‌های قومی وارد شده در آن تفسیر و فهم کرد. سراج زاده، جمال ادهمی و اکبری (۱۳۹۲) نشان دادند که مذهب پاسخگویان با اعتماد بین قومی رابطه دارد و پاسخگویان سنی مذهب که اغلب کُرد زبان بودند نسبت به افراد شیعه مذهب که در اکثریت هستند، از اعتماد بین قومی پایین‌تری برخوردارند. مظلوم خراسانی، نوغانی و خلیفه (۱۳۹۱) پی بردند که مشارکت اجتماعی مردم در شهر مرودشت در حد متوسط بوده است. حسین‌زاده و فدائی ده چشمه (۱۳۹۱) دریافتند که وضعیت کلی مشارکت شهروندان در حد متوسط رو به پایین بوده و این امر بیشتر ناشی از سطح پایین بعد عینی مشارکت شهروندان در زندگی شهری است. صمدیان (۱۳۸۶) دریافت ارزیابی فایده‌های مشارکت نیز فقط بسیار پایین‌تر و میانگین مشارکت مذهبی خیریه‌ای (شرکت در کارهای خیریه، هیئت‌ها، روضه‌ها، سفره‌ها، جلسات قرآن و جشن‌های مذهبی و برنامه‌های خرید جهیزیه برای خانواده‌های نیازمند) بسیار بالاتر از سایر عوامل مشارکت است. در مورد انواع مشارکت مورد بررسی،

نکته دارای اهمیت این بود که غیر از مشارکت مذهبی خیریه ای، میانگین تمام انواع مشارکت در سطح کمتر از متوسط قرار دارد. نتایج حاصل از مطالعه دمیتروو و همکارانش (۲۰۱۴) نشان داد که استفاده از برخی انواع رسانه‌های دیجیتال دارای اثرات قابل ملاحظه‌ای بر میزان مشارکت سیاسی دارند. نتایج اسکوریک و همکاران (۲۰۰۹) نشان داد شواهدی وجود دارد که شبکه‌های اجتماعی با مشارکت سیاسی ارتباط زیادی دارد. طبق نظریه‌ها و یافته‌های تحقیقات قبلی و تحقیق حاضر در تبیین صور مشارکت و اهمیت آن می‌توان گفت که مشارکت به عنوان یکی از مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی از ارکان اصلی هر نظام بویژه نظام‌های دموکراتیک به شمار آمده است. در جوامع با تنوع قومی مذهبی، مشارکت متغیر بوده و مشارکت در امور اجتماعی نه بخاطر انگیزه‌های فردی بلکه عمیقاً تحت سیطره گروه‌گرایی و قبیله‌گرایی است. بر اساس نتایج حاصل از تحقیق حاضر؛ وضعیت مشارکت‌جویی در صور پنجگانه در بین قومیت کردنشین کرمانشاه؛ در سطح متوسط رو به بالا می‌باشد که از بین صور پنجگانه مشارکت؛ مشارکت روانی با ۷۴ درصد بیش‌ترین میزان مشارکت و مشارکت اقتصادی با ۵۹ درصد کم‌ترین میزان مشارکت را داشتند. در مجموع وضعیت مشارکت کلی کردنشینان شیعه و سنی کرمانشاه در سطح متوسط ۶۲/۵ درصد می‌باشد و با وضعیت مطلوب اندکی فاصله دارد. از بعد روانی مردم کردنشین شیعه و سنی کرمانشاه؛ دارای بیش‌ترین میزان مشارکت هستند؛ زیرا سال‌های سال است که این مذهب‌های مختلف در کنار سایر مذهب‌های اقلیت مانند «اهل حق» در کنار یکدیگر با مسالمت زمذگی می‌کنند و در صورت بروز مشکلات بدون در نظر گرفتن نوع مذهب؛ برادرانه به یکدیگر کمک می‌کنند و همدلی و همبستگی بالایی بین آن‌ها وجود دارد. نمونه بارز آن همین زلزله ۷/۳ ریشتری آبان ماه ۱۳۹۶ در شهر کرمانشاه می‌باشد؛ که همه مردم شهر کرمانشاه بدون در نظر گرفتن عقاید و مذاهب به کمک همه مردم زلزله زده شهرها و روستاهای اطراف شتافتند و این نشان دهنده وجود رابطه بین میزان دبنداری؛ جامعه‌پذیری و تعهد و تعلق به جامعه را در بین مردم این منطقه نشان می‌دهد. اما در مورد پایین بودن میزان مشارکت اقتصادی مردم کردنشین؛ با توجه به اینکه مردم این منطقه در مرزهای کشور مقیم هستند و سال‌های سال با مشکلات عدیده‌ای چون جنگ تحمیلی دست و پنجه نرم کرده‌اند و زنان نیز همگام با مردان در تمامی مسائل مشارکت همه جانبه داشته‌اند؛ اما امروزه با توجه به مسائل و مشکلات اقتصادی و اجتماعی و سیاسی موجود در جامعه این میزان مشارکت در صور مختلف در بین مردم این منطقه کاسته شده است. از سویی مشکلات اقتصادی حاکم بر کل جامعه زندگی مردم را با مشقت زیادی روبه‌رو کرده است؛ لذا از نظر اقتصادی نسبت به گذشته مردم کردنشین شیعه و سنی مشارکت کمتری با دولت و یا سایر مردم دارند. اما میزان مشارکت پیروان مذهب سنی تا حدودی بالاتر از شیعه مذهب‌ها می‌باشد. زیرا پیروان مذهب سنی به علت محدود بودن جامعه‌شان؛ نسبت به شیعه مذهب‌ها که شاید چهار برابر سنی‌ها جمعیت داشته باشند؛ هنوز هم به صورت قبیله‌ای و قومیت‌گرایی در مسائل اقتصادی با یکدیگر مراوده دارند و در صورت نیاز مالی همدینان خود با اعتماد بالایی به آنها کمک می‌کنند. اما

قومیت، مذهب، صور مشارکت در بین پیروان مذاهب شیعه و سنی کردهای کرمانشاه

پیروان شیعه که در جمعیت بسیار وسیع تری هستند؛ بیش تر با سازمان های دولتی طرف بوده و با توجه به عدم اعتمادی که در این چند ساله مسائل سیاسی گریبانگیر کشور بوده؛ میزان مشارکت اقتصادی خود را به صورت فاحشی کاهش داده اند و به علت وضعیت اقتصادی بد هر خانواده نیز دیگر توان مشارکت و کم کالی به سایر همدینان خود ندارند. در مشارکت اجتماعی نیز میزان مشارکت (۶۷) گزارش شد که میزان مشارکت اجتماعی سنی مذهبها بالاتر از شیعه مذهبها بود. دلیل این امر دقیقاً مانند مسائل اقتصادی می باشد. سنی مذهبها با توجه به اینکه دارای جمعیت محدودی می باشند؛ لذا در موارد ضروری و خطر و همچنین شرکت در کارهای خیرخواهانه برای جمعیت محدود خویش به خوبی همکاری و مشارکت می کنند و با تشکیل NGO هایی که در قومیت خویش دارند، همیشه در جهت رفع مشکلات پیروان خود می کوشند. اما شیعه مذهبها با توجه به دارا بودن جمعیت بزرگتر؛ با توجه به نامحدود بودن و عدم شناخت دیگر افراد هم مذهب خود؛ مشارکتشان در مسائل اجتماعی به شدت کاهش یافته است. در میزان مشارکت سیاسی نیز که سطح مشارکت کردنشینان در سطح (۶۲ درصد) گزارش شد؛ می توان گفت شاید عامل اقتصادی در کاهش مشارکت سیاسی پیروان هر دو مذهب تأثیر گذارده باشد. با توجه به کشمکش های سیاسی زیادی که در چند ساله اخیر کشور ایران با آن درگیر است؛ بالاخص در انتخابات مجلس و نمایندگان نیز در دو ساله اخیر صحبت از شیعه و سنی بر سر زبان ها افتاد. به گونه ای که حتی پس از انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۹۶؛ افراد صاحب نظری همچون زیباکلام بارها از ریاست جمهوری خواستار بودند که در انتخاب کابینه خود حتماً از افراد صاحب نظر سنی نیز بهره بگیرند. در مجموع پیروان مذهب سنی با توجه به عدم مشارکت دادنشان توسط دولت در سمت های مدیریتی و مهم؛ ناخواسته از میزان مشارکت سیاسی شان کاسته شده است و مردم سنی مذهب نیز به گونه ای از مشارکت بیش تر در مسائل سیاسی نسبت به شیعه مذهبها دل زده شده اند. در ارتباط با مسائل فرهنگی نیز وضعیت تقریباً به همین منوال می باشد و میزان مشارکت فرهنگی در بین کردنشینان هر دو مذهب در سطح متوسط رو به بالا می باشد (۶۳ درصد)؛ در خصوص استفاده از فناوری های تکنولوژیکی نظیر اینترنت، شبکه های مجازی و ... به میزان زیادی مشارکت به اقتضای فرهنگ جامعه افزایش یافته است؛ زیرا نیاز امروز جامعه جهانی به بهره گیری از اینترنت و شبکه های مجازی و شبکه های اجتماعی روز است. اما متأسفانه در سایر موارد فرهنگی بومی؛ میزان مشارکت فرهنگی کاهش چشمگیری داشته است. در مجموع میزان مشارکت مردم این منطقه کردنشین در مجموع در سطح متوسط روبه بالا می باشد که نسبت به گذشته های دور و سال های جنگ به شدت کاهش یافته است که از عوامل تأثیرگذار در آنها می توان واقع شدن در شرایط آنومیک و بیگانگی اجتماعی افراد در جامعه را نام برد.

با توجه به نتیجه حاصل از پژوهش حاضر مبنی بر وجود بالا بودن میزان مشارکت اقتصادی و اجتماعی پیروان مذهب سنی در بین کردنشینان شهر کرمانشاه نسبت به پیروان مذهب شیعه؛ پیشنهاد می گردد؛ مسئولین دولتی و شهری با ایجاد تعامل بالاتر در بین پیروان مذاهب شیعه و سنی قومیت

کردنشین کرمانشاه؛ موجبات بهبود همکاری و اعتماد اجتماعی را در بین آن‌ها افزایش داده و تا حدودی پیروان مذاهب شیعه نیز با یکدیگر و همچنین با پیروان مذهب سنی ارتباطات اجتماعی و اقتصادی خود را افزایش دهند.

با توجه به نتیجه دیگر در پژوهش حاضر مبنی بر وجود بالا بودن میزان مشارکت روانی، فرهنگی و سیاسی پیروان مذهب شیعه در بین کردنشینان شهر کرمانشاه نسبت به پیروان مذهب سنی؛ پیشنهاد می‌گردد؛ با تبلیغات رسانه‌ها و تمهیدات دولت در جهت استخدام و بکارگیری مسئولین و افراد دارای تحصیلات و تخصص از بین پیروان مذهب سنی؛ به نوعی از تبعیضات موجود در بین این دو مذهب را کاسته و به نوعی با اطمینان خاطر به مردم سنی کرمانشاه و بهره‌گیری از فرهنگ حاکم بر آنها؛ موجبات بهبود مشارکت روانی و شرکت در مسائل سیاسی نظیر انتخابات و ... گردند.

در نهایت؛ با توجه به شرایط جامعه و از بین بردن تفاوت‌های مذهبی و قومیتی؛ شرایط مشارکت پیروان هر دو مذهب در تمامی صور مشارکت فراهم شود و برای مشارکت آنان تسهیل‌گرهای اجتماعی در نظر گرفته شود که بتواند شهروندان را به انواع مشارکت در بطن جامعه تشویق و ترغیب نماید.

منابع

- آبراهامیان، یرواند. (۱۳۸۳). ایران بین دو انقلاب؛ از مشروطه تا انقلاب اسلامی. ترجمه‌ی احمد گل محمدی و دیگران، تهران: نشر نی.
- آروین، محمود؛ فرهادی‌خواه، حسین و پوراحمد، احمد. (۱۳۹۶). بررسی شاخص‌های زمینه‌ساز مشارکت شهروندان در امور شهری (مطالعه موردی: منطقه ۹ شهر تهران). مطالعات جغرافیایی مناطق خشک، ۸ (۲۹)، ۵۱-۳۳.
- احمدی، حمید. (۱۳۸۸). بنیادهای هویت ملی ایران؛ چارچوب نظری هویت ملی شهروند محور تهران. پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- اکبری، کمال. (۱۳۹۹). نقش مشارکت اجتماعی در کنترل و کاهش آسیب‌های اجتماعی. هفتمین همایش ملی مطالعات و تحقیقات نوین در حوزه علوم تربیتی، روانشناسی و مشاوره ایران، تهران، برگرفته از وبسایت سیویلیکا: <https://civilica.com/doc/1140400>.
- برتون، رولان. (۱۳۸۰). قوم‌شناسی سیاسی، ترجمه‌ی ناصر فکوهی، تهران: نشر نی.
- بیرو، آلن. (۱۳۷۵). فرهنگ علوم اجتماعی. ترجمه‌ی باقر ساروخانی، چاپ دوم، تهران: کیهان.
- جعفری کلاریجانی، سیداحمد؛ آذین، احمد و محمدی، اصغر. (۱۳۹۹). بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی موثر بر مشارکت سیاسی در بین جوانان استان مازندران. مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، ۱۲ (۲)، ۳۳-۴۶.

قومیت، مذهب، صور مشارکت در بین پیروان مذاهب شیعه و سنی کردهای کرمانشاه

- حسین زاده، علی حسین و فدائی ده‌چشمه، حمید. (۱۳۹۱). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر مشارکت شهروندان در امور شهری (مطالعه موردی: شهر شهرکرد). مطالعات جامعه‌شناختی شهری، سال دوم، شماره پنجم، صص ۵۹-۸۲.
- حسینی پاکدهی، علیرضا و زردار، زرین. (۱۳۹۰). بازنمایی مفهوم شهروندی در مطبوعات ایران؛ تحلیل گفتمان انتقادی سرمقاله‌های روزنامه‌های کیهان، ایران، رسالت، اعتماد، شرق و آفتاب یزد. فصلنامه علوم اجتماعی، ۵۳، ۹۵-۱۳۵.
- خالدی، سمانه. (۱۳۹۳). نظریه مبادله هومنز. پژوه بزرگترین بانک مقالات علوم انسانی و اسلامی، قابل دسترس در سایت: <http://pajoohe.ir>.
- دارابی، مسعود؛ رضاپور، ناصر و موسی رضایی، سهیل. (۱۳۹۷). بررسی جامعه‌شناختی تأثیر عملکرد پایگاه خدمات اجتماعی بر میزان مشارکت اجتماعی (مطالعه موردی: شهر ورامین). مطالعات راهبردی ورزش و جوانان، ۴۳، ۱۱۳-۱۴۲.
- رامسری، عاطفه. (۱۳۹۲). بررسی عوامل و موانع مؤثر بر مشارکت اجتماعی زنان کرد (مطالعه موردی شهر سنندج). پایان‌نامه ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- رشیدی آل‌هاشم، سیدمحمدرضا؛ طحان، محسن هادی و افراسیابی، شهرام. (۱۳۹۸). بررسی عوامل اجتماعی مرتبط با میزان مشارکت شهروندان با پلیس (مورد مطالعه: شهر خلخال). همایش ملی پلیس و تعامل ارتباطی اجتماعی، تهران، <https://civilica.com/doc/1183272>.
- زارع، بیژن و روهنده، مجید. (۱۳۹۴). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر مشارکت اجتماعی - سیاسی مطالعه‌ای در باب شهروندان بالای ۱۸ سال شهر کرج. مجله مطالعات اجتماعی ایران، دوره نهم، شماره ۲، صص ۸۷-۶۴.
- سراج‌زاده، سیدحسین؛ قادرزاده، امید و رحمانی، جمیل. (۱۳۹۳). مطالعه کیفی مذهب و قوم‌گرایی در میان کردهای شیعه و سنی. مجله جامعه‌شناسی ایران، ۱۵(۴)، ۲۹-۳.
- سراج‌زاده، سیدحسین، جمال ادهمی و یونس اکبری. (۱۳۹۲). مطالعه جامعه‌شناختی فرهنگ اعتماد در بین دانشجویان اقوام چهارگانه آذری، فارس، کرد و لر. جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی، دوره ۱، شماره ۱: ۵۵-۸۱.
- صمدیان، فاطمه. (۱۳۸۶). بررسی عوامل مؤثر بر میزان مشارکت اجتماعی زنان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه کرمان، دانشکده علوم اجتماعی.
- عرب، عباسعلی؛ امیرمظاهری، امیرمسعود و نویدنیا، منیژه. (۱۳۹۷). بررسی رابطه بین مؤلفه عینی و ذهنی اقوام از بعد قومی و جنسی با مشارکت سیاسی در شرق استان گلستان با تأکید بر انتخابات مجلس شورای اسلامی. فصلنامه مطالعات سیاسی، ۱۰(۳۹)، ۵۲-۲۹.

- غفارزاده خویی، پریسا و صباغ دهخوارقانی، صمد. (۱۳۹۵). بررسی رابطه کیفیت زندگی و مشارکت اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه آزادی اسلامی واحد تبریز. مطالعات جامعه شناسی، ۳۳، ۳۶-۲۵.
- فتحی، سروش و مختاریپور، مهدی. (۱۳۹۶). بررسی تأثیرگذاری پایگاه اجتماعی - اقتصادی بر میزان مشارکت سیاسی (مورد مطالعه: دانشجویان واحد علوم و تحقیقات تهران). بررسی مسائل اجتماعی ایران، ۸(۲)، ۲۰۹-۲۳۵.
- فتحی، سروش؛ میرساردو، طاهره و بهرامی ثابت، حسین. (۱۳۹۳). بررسی تأثیر فرهنگ توسعه بر مشارکت اجتماعی شهروندان (مورد مطالعه: شهروندان مناطق یک، ده و بیست شهر تهران). مطالعات جامعه شناختی شهری (مطالعات شهری)، دوره ۵، شماره ۱۳، صص ۱۳۵-۱۶۶.
- فرهادی، محمد و کاظمی، علی. (۱۳۹۳). توسعه اقتصادی - اجتماعی، قومیت و مشارکت. مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، دوره ۲، شماره ۴، ۹۷-۵۷۱.
- گلابی، فاطمه و اخشی، نازیلا. (۱۳۹۴). مشارکت اجتماعی و نشاط اجتماعی. ۳(پیاپی ۵۹)، ۱۶۰-۱۳۹.
- گلابی، فاطمه و رضایی، اکرم. (۱۳۹۲). بررسی تأثیر مشارکت اجتماعی بر مدارای اجتماعی در بین دانشجویان. مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، ۲(۱)، ۸۶-۶۱.
- محسنی تبریزی، علیرضا؛ آقاجانی حسین و عزیزخانی، اقباله. (۱۳۹۵). تبیین جامعه شناختی صور مختلف مشارکت در بین شهروندان شهر خلخال و عوامل مؤثر بر آن. نشریه مطالعات جامعه‌شناسی شهری، سال ششم، شماره ۱۹، صص ۳۲-۱.
- محسنی تبریزی، علیرضا و عباسی قادی، مجتبی. (۱۳۹۳). تبیین و مقایسه مشارکت اجتماعی جوانان در دو جامعه ایران و تاجیکستان. مجله جامعه شناسی ایران، دوره پانزدهم، شماره ۳، صص ۹۳-۱۳۱.
- محمدزاده، حسین. (۱۳۹۰). انواع قوم‌گرایی در میان کردهای ایران. پایان‌نامه دکترای جامعه‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده علوم اجتماعی.
- محمدی، جمال؛ باقری، کیوان و حیدری، سامان. (۱۳۹۲). سنجش و بررسی میزان مشارکت شهروندان در امور شهری و عوامل مؤثر بر آن (مطالعه موردی: شهر سنندج). مجله تحلیل اجتماعی، شماره ۴/۴، صص ۳۱-۱.
- محمدی‌فر، نجات؛ شهرام‌نیا، امیرمسعود؛ مسعودنیا، حسین و حاتمی، عباس. (۱۳۹۶). بررسی رابطه میان استیفای حقوق شهروندی با نوع مشارکت سیاسی در شهر اصفهان. جامعه‌شناسی کاربردی، ۲۸(۲) پیاپی ۶۶، ۶۲-۱۴۷.

قومیت، مذهب، صور مشارکت در بین پیروان مذاهب شیعه و سنی کردهای کرمانشاه

- محمدی‌فر، نجات؛ مسعودنیا، حسین؛ شهرام‌نیا، امیرمسعود و حاتمی، عباس. (۱۳۹۴). تجزیه و تحلیل نقش کیفیت زندگی بر نوع و میزان مشارکت سیاسی (مطالعه موردی: شهر اصفهان). فصلنامه توسعه اجتماعی (توسعه انسانی سابق)، ۱۰(۲)، ۱۵۶-۱۲۷.
- مصطفوی، سیدهادی؛ پوریانی، محمدحسین؛ محسنی تبریزی، علیرضا و ازدری‌زاده، حسین. (۱۳۹۸). تحلیل سیاست‌های قومی، مذهبی و تأثیر آن بر مشارکت سیاسی و راه‌سازی ارتقاء آن (مورد مطالعه: قوم ترکن استان گلستان). فصلنامه علمی- پژوهشی جغرافیا (برنامه‌ریزی منطقه‌ای)، ۲، ۵۱۹-۵۰۳.
- مظلوم خراسانی، محمد؛ نوغانی، محسن و خلیفه، محمدرضا. (۱۳۹۱). بررسی میزان مشارکت اجتماعی مردم در شهر مرودشت و عوامل مؤثر بر آن در سال ۱۳۸۷. جامعه‌شناسی کاربردی، سال بیست و سوم، شماره ۱ (پیاپی ۴۵)، شماره ۱ اول، صص ۵۰-۸۰.
- مولانا، حمید. (۱۳۸۷). گذر از نوگرایی ارتباطات و دگرگونی جامعه، ترجمه: یونس شکرخواه، تهران، دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها، چاپ دوم.
- نوروزی، فیض‌ا... و بختیاری، مهناز. (۱۳۸۸). مشارکت اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن. مجلات علوم سیاسی راهبرد، شماره ۵۳، صص ۲۶۹-۲۴۹.
- Bagheri, R. (2018). Nation, Ethnicity and Religion: Second Generation Muslims' Social Identity in Scotland. *Journal of WORLD SOCIOPOLITICAL STUDIES*, 2(4), 699-734.
- Dimitrova, V., Daniela; Shehata, Adam. (2014). The Effects of Digital Media on Political Knowledge and Participation in Election Campaigns: Evidence From Panel Data. *Communication Research*, Vol 41(1) 95- 118.
- Frits van Wel, Nellie Couwenbergh-Soeterboek, Christianne Couwenbergh, Tom ter Bogt, Quinten Raaijmakers. (2005). Ethnicity, youth cultural participation, and cultural reproduction in the Netherlands. *Original Research Article Poetics*, Volume 34, Issue 1, Pages 65-82.
- Guth, J. & Green, J. & Kellstedt, L. & Smidt, C. (2002). Religion and Political Participation. Prepared for Delivery at the 2002 Annual Meeting of the American Political Science Association, 2002.
- Noromele, Ch. H. (2017). The effects of Religion and Patriarchal Norms on Female Labor Force Participation. Duke University Durham, North Carolina.
- Skoric, Marko M., Deborah Ying, Ying Ng. (2009). Bowling Online, Not Alone: Online Social Capital and Political Participation in Singapore. *Journal of Computer-Mediated Communication*, Vol. 14, No. 2.
- Yang, H.Ch. & DeHart, J.L. (2016). Social Media Use and Online Political Participation among College Students during the US Election 2012. *Social Media + Society*. <https://doi.org/10.1177/2056305115623802>.